

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فصلان سیاسی دربارهی مقدرات برجام اقبال اقبالی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

اقبال اقبالی: برجام توافق میان قدرت های بزرگ با نمایندگان اسلامگرایان ایران بوده و جای منتخبینی که بتوانند مواضع و منافع سیاسی مردم و میهن ما را در آن مذاکرات نمایندگی کنند، خالی بود. برجام در گوهر خود، تداوم سیاست قدرت های بزرگ مبنی بر:

تائید اقلیت حاکم متضاد با حقوق بشر در ایران، و تائید نظامی مبتنی بر آپارتاید دینی و جنسی و تائید شبکه های مافیائی اسلامی، و مرتکب جنایت علیه بشریت می باشد.

من بعنوان کسی که از خاستگاه منافع مردم و میهن مان سخن می گویم، نمی توانم حضور حکومت اسلامی در جامعه جهانی را برسمیت بشناسم و عمیق بر این نظر باور دارم که هرگونه مذاکره و برسمت شناختن این نظام، به زیان جامعه ایران و بشریت است.

سیاست ما می تواند دعوت از جامعه جهانی به بایکوت رژیم آپارتاید اسلامی و بیرون راندن آن از مجامع بین المللی و حمایت معنوی و برسمت شناختن اپوزیسیون جمهوریخواه و لائیک دمکرات باشد.

در پاسخ به پرسش شما عرض می کنم که سیاست درست این است که هیچگونه پیمانی میان حکومت اسلامی با دیگر کشورها را نمی توان برسمت شناخت و سیاست درست و ایراندوستانه این است که از اکنون با صدای بلند اعلام کنیم که حکومت اسلامی نمایندگی سیاسی باشندگان ایران را ندارد و باید از جوامع بین المللی طرد شود.

در مورد خطر جنگ باید اعتراف کرد که جنگ طلبی در ایدئولوژی حاکمان نهادینه است و بقاء این حکومت بخودی خود بستر عینی و ذهنی جنگ را فراهم می کند. پارامترهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارند که می توانند این پتانسیل بالقوه حکومت اسلامی را بالفعل کنند، همانطور که جنگ 8 ساله را به مردم تحمیل کردند.

من از ورود به مباحثات پیرامون جنبه مثبت و منفی برجام خودداری کنم، زیرا یکسوی معادله سیاسی رژیم قرار دارد که کلیت آن از نظر سیاسی سمی، مضر و ویرانگرانه بوده و باید بر موجودیت آن (حکومت اسلامی) نقطه پایان گذاشت. سیاست جهانی که شاهد 40 سال جنایات و توحش اسلام سیاسی در ایران بوده اند، نمی تواند مذاکره با آنها، بلکه طرد و منزوی کردن آنها باشد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

اقبالی: قطب بندی های دوران جنگ سرد تغییر کرد و سال های پایانی دوران جنگ سرد، مترادف با سربلند کردن هیولای اسلام سیاسی در بخشی از جهان بود. جهان دو قطبی به چند قطبی تبدیل شده و هراس از اسلام سیاسی جایگزین وحشت سرمایه داری از کمونیسم شده است. تحولات در دنیای جاری است که انقلاب در سرشت ارتباطات، تاثیرات شگرفی بر روبنا گذاشته و می گذارد و یکی از چشمگیرترین این تاثیرات، کمرنگ شدن مرزهای کشورها برای فعالیت سرمایه می باشد.

در برابر این تحول در زیر بنا، نیروهای ارتجاعی با شعارهای سیاسی پوپولیستی بقدرت رسیده و برآند تا فروپاشی مرزها و پاسخگویی به الزامات زمانه را به تاخیر بیندازند. شاید پدیده ترامپ و خیز پوپولیست های اروپا برای کسب قدرت، بارزترین نشانه سیاست درونگرایانه (انقباضی) در مقابل نیازهای عبور سیال سرمایه از مرزهای ملی و عرض اندام بی دردسر در ابعاد جهانی است.

در این دوران قدرت های نوپا خود را تعریف می کنند و بلوک های جدید ایجاد می شود. باید باز تعریف شوند. این روند در حال تکوین است. سیاست روسیه، امریکا، اروپا و .. در ارتباط با رژیم اسلامی، در چارچوب اهداف استراتژیک قدرت ها و منافع خودویژه هر کدام قابل تبیین هستند.

امریکا قدرتی است که نمی توان نقش آنرا در معادلات جهانی نادیده گرفت. هرچند با صعود چین و استقلال طلبی اروپا و .. ، امریکا دیگر نمی تواند به دوران طلائی فرمانفرمائی یکه تازانه خود برگردد. در شرایط کنونی اروپا، چین و .. مقاومت ها و مانورهای موضعی در برابر امریکا می کنند و برجام می تواند ادامه یابد، اما تیر خلاص بر برجام و برجامی ها در دیماه 1397 در ایران شلیک شده و بنظر میرسد که بزودی به ستون های اصلی نظام برسد.

امریکا در ادامه استراتژی خود در منطقه و در چارچوب بلوک ائتلافی با عربستان، منافع خود را دنبال می کند و در واقع سرنوشت برجام با تقسیم حوزه های نفوذ روسیه، امریکا، اروپا و چین گره خورده است.

در این میان اسلام‌گرایان حاکم بر ایران برای حفظ سلطه خود بر ایران و ایرانیان، آماده هستند تا صیغه قدرت هایی شوند (حتا امریکا) که به بقاء حکومت اسلامی رای می دهند. سیاست بیرون کشیدن ایران از زیر نفوذ روسیه، برای امریکا جنبه حیثیتی یافته و بنظر می رسد که امریکا آماده هست برای این هدف، هزینه سنگینی پردازد.

واقعیت این است که اروپا، چین و روسیه هرکدام مواضعشان (عیار همسوئی با حکومت اسلامی) نسبت به برجام را متناسب با میزان منافع شان تنظیم می کنند. کشورهای قانونمند و کلاسیک معیارهای روشنی برای سیاستگذاری دارند و در میان فقط رژیم حاکم بر ایران مشی هپل هپو تحقق اهداف اسلام ناب محمدی را دنبال می کند.

بزرگترین خطری که حکومت اسلامی را تهدید می کند، یک انقلاب ایرانی می باشد و نه سرنوشت برجام.

ندای آزادی : ایا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد؟

اقبالی: هر شکل از طرد حکومت اسلامی و محدودسازی این نظام تروریست پرور از جامعه جهانی، بسود ایران و جامعه ایرانی است. ملغا شدن برجام از خاستگاه نفی و ابطال نمایندگی باشندگان ایران توسط حکومت اسلامی، می تواند برای آزادی ایران از سلطه این نظام مفید واقع گردد.

هدف امریکا از خروج از برجام، نه دفاع از حقوق بشر و طرد اسلام سیاسی و استقرار آزادی در ایران، بلکه پیگیری منافع بلوک خود در

منطقه، کسب امتیاز بیشتر در معامله با حکومت اسلامی (با هزینه ملت ایران) می باشد که به دلیل تائید موجودیت حکومت اسلامی برای مردمی خواهان سرنگونی رژیم، قابل قبول نیست.

نشست و برخاست و هرگونه ارتباطی با رژیم ترور و اعدام، در نهایت خدمت به ارتجاع در منطقه و تقویت تروریسم اسلامی بوده و دود این سیاست به چشم ملت ایران، مردم منطقه و جهانیان خواهد رفت.

تردید نیست که فشار جهانی به حکومت اسلامی و پیشگیری از رشد این ویروس کشنده انسانیت، اقدامی همسو با سیاست براندازی آزادیخواهان میهن است. یک سیاست همسوئی تعریف شده و شفاف از سوی اپوزیسیون از الزامات پیکار برای براندازی حکومت اسلامی می باشد. تردیدی نیست سرنوشت ایران و جامعه ایرانی در خیابان تعیین می شود و کنشگران سیاسی - اجتماعی در محیط کار و زیست می توانند از هم اکنون هسته های قدرت جمهوری خودمدیریت ایران (نظام جمهوریخواهانه لائیک دمکراتیک و سوسیال) فردا را ایجاد کرده و تدارک تسخیر پایگاه های رژیم را از پائین آغاز کنند. برای موفقیت این پروژه، همدلی و همسوئی هم اندیشان جهانی پر اهمیت است. لغو برجام بخودی خود سرنگونی حکومت اسلامی را تسریع نمی کند و بستگی به بلوغ جنبش براندازانه در داخل کشور و موقعیت جبهه جمهوریخواهی دارد.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

اقبالی: حکومت اسلامی در چهل سال گذشته ایران را در کام جنگ، گرسنگی، تحقیر، سرکوب، استبداد پیشاقرون وسطائی و فلاکت همه جانبه کشاند. مردم دریافتند که همه فلاکت های شان معلول حکومت اسلامی بوده و فریاد زدند که دروغه دشمن ما امریکاست، دشمن ما همینجاست. مشی اسلامیزاسیون خمینی در حوزه دیپلماسی جهانی (صدور انقلاب اسلامی، برقراری روابط صلح آمیز در منطقه و جهان ..)، در حوزه داخلی (سنگ تمام گذاشتن در ویرانی همه جانبه کشور، جامعه، فرهنگ، اقتصاد، محیط زیست و اخلاق) به شکست قطعی رسیده است.

اکنون دیگر ظرفیت های ویرانگرانه رژیم اسلامی رو به اتمام است و این رژیم دیگر به پایان توان اعمال قدرت نزدیک می شود. از سوی دیگر جامعه ایرانی هم از اسلام و اسلامگرایان تنها رویگران شده

اند، بلکه در آستانه یک انقلاب لائیک دمکراتیک و سوسیال ایستاده اند. پیامد شکست برجام، افزایش چشمگیر خیزش های مردمی، ارتقاء خیزش ها به جنبش های اجتماعی و تدارک یک انقلاب در ایران را پیشروی ما خواهد گذاشت.

نا توانی ذاتی سیاسی حکومت اسلامی در تشخیص قوانین بازی در عرصه بین المللی، نیازهای زمانه، بیگانگی با منافع و مصالح ایران و جامعه ایرانی، بر ملت ایران مسلم شده و از همینرو با شعار استقلال آزادی جمهوری ایرانی به مقابله با حکومت اسلامی برخاسته اند. ما با روشنگری و سازماندهی مردم می توانیم به اندیشه ایجاد رژیم ایرانیمدار و لائیک دمکراتیک یاری رسانیم.

حکومت اسلامی در نتیجه بایکوت اقتصادی، تضادهای درونی اش تعمیق خواهد یافت، درگیری های بالائی ها تشدید و جنبش سرنگون طلبانه هم شفافیت بیشتر خواهد یافت. شکست برجام می تواند گامی برای طرد و انزوای کامل رژیم آپارتاید اسلامی (همانند رژیم آپارتاید در افریقای جنوبی) باشد. جایگاه همسوئی جامعه جهانی با خواست عبور جامعه ایرانی (جمهوری ایرانی) از جمهوری اسلامی را باید بعنوان پشتوانه معنوی یک انقلاب ملی لائیک - دمکراتیک ایرانی در برابر انقلاب اسلامی و تامین حق ملت ایران در سرنوشت خود تلقی کرد و وظیفه ماست که اجازه ندهیم مردم ایران را میان منگنه انتخاب بد و بدتر (شاه و شیخ) بگذارند.

شکست برجام و سیاست های ترامپ، دست و بال رژیم تروریستی را در عرصه منطقه محدود خواهد کرد و گوهر اسلام سیاسی که الویت نخست آن رجحان منافع و مصالح اسلام و اسلامگرایان بر ایران و ایرانیان است را رسواتر خواهد ساخت. از اینرو مردم به سیاست و نظامی رو خواهند آورد که فارغ از تعلقات دینی - ایدئولوژیک بوده و بیانگر سیاسی، فرهنگی، تاریخی ملت ایران باشد.

با توجه به شرایط سختی که پیامد حکومت اسلامی به مردم تحمیل شده، باید نگاه های جامعه ایرانی را متوجه تصرف سرمایه های حوزه های دینی، شبکه های مافیائی قدرت و برجیدن حکومت اسلامی، و ایجاد جمهوری ایرانی و اداره کشور توسط دولت لائیک دمکراتیک و سوسیال کرد. تنها با تغییر ریل از خاستگاه سوسیال دمکراتیک می توان آزادی، داد و دمکراسی را در ایران مستقر و نهادینه ساخت.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر

عهد دارد؟

اقبالی: انقلاب در سرشت ارتباطات به کوتاه شدن دیوارهای مرزهای ملی برای آزادی سرمایه محدود نمیشود. این انقلاب به کمرنگ شدن مرزهای جغرافیائی اپوزیسیون ایرانی را کمک بزرگی کرده است. اکنون با ارتباطات ارگانیکی که با داخل وجود دارد، مرز اپوزیسیون داخل و خارج بسیار کمرنگ شده و می توان مبارزات هماهنگی را سازمان داد.

اپوزیسیون برون مرز به دلیل موقعیت جغرافیائی و خارج بودن از حوزه سرکوب رژیم اسلامی، می تواند بخشی از وظایف تدارکات انقلاب جمهوریخواهانه و لائیک دمکراتیک را انجام دهد و بعنوان بخش برون مرز انقلاب ایرانی و پایان دهی به انقلاب اسلامی، پژواک صدای مردم در میهن و جهان باشد. انقلاب در ایران با تغییر توازن قوا در خیابان های پیروز می شود. اپوزیسیون جمهوریخواه و لائیک دمکراتیک برون مرز، می تواند با ایجاد جبهه (جنبش) جمهوریخواهان لائیک دمکراتیک، بازوی برون مرز جنبش سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری جمهوری ایرانی باشد.

وظایف این جبهه می تواند یاری رسانی به ایجاد نهادهای خودمدیریت لائیک دمکراتیک جمهوری ایرانی در محیط زیست، کار، مناطق، شهرها و ...، تغذیه سیاسی و هماهنگی مبارزاتی آنها باشد. از سوی دیگر می توان بنام جمهوری خودمدیریت ایران صدای سیاسی، اجتماعی ملت ایران را بازتاب داد و با روشنگری سیاسی مردم را نسبت به پیامدهای بازی در میدان انتخاب بد و بدتر (شاه و شیخ) هوشیار کرد و الگوهای نظام های لائیک دمکراتیک و سوسیال (اروپا) را برای امروز ایران، پیشنهاد کنیم. در کنار این مشی، روشنگری و آماده سازی مردم برای ایجاد مجلس موسسان نظام نوین، انتقال قدرت به نمایندگان برگزیده مردم و تثبیت مکانیزم های دمکراتیک در جامعه و استقرار جمهوری خودمدیریت ایران، از وظایف سرنوشت ساز اکنون ما می باشند.

با سپاس از شما که فرصت سخن به من دادید.

با مهر و احترام و بامید پیروزی راهمان.

اقبال اقبال

19.08.2018

